

خبرایات

زندگی شیرین زوج‌های خیلی باحال!



جواد طوسی

● چند شب قبل در یکی از برنامه‌های خندوانه، شاهد میزآnsن و اتفاقات عجیبی میان مجری برنامه (رامبد جوان) و همسر گرامی‌اش (خانم نگار جواهریان) که به عنوان میهمان شرکت داشت، بودیم. البته نکته‌ای را برای رفع هرگونه سوءتفاهم عرض کنم. حدود دو سال قبل از رامبد جوان و مانی حقیقی برای شرکت در یک میزگرد مرتبط با سینمای کم‌سدی در مجله «سینما و ادبیات» دعوت کرده بودم. وسط گفت‌وگو این دو که با هم رابطه گرم و صمیمانه‌ای داشتند، بلند شدند و جلسه را با این توجیه که کار دارند و بیش از این حرفی برای گفتن ندارند، ترک کردند. نگارنده در لید گفت‌وگو با لحنی آمیخته با طنز به این موضوع اشاره و کلمه‌ندی‌ام را عنوان کردم. تعداد این موضوع را یادآور شدم تا بگویم اصلا قصد تلافی و حال‌گیری ندارم. به‌هرحال سنی از بنده گذشته و قرار نیست از موضعی کینه‌توزانه، مقابله‌به‌ممثل کنم. آنچه من را مجبور به نوشتن این یادداشت کرد، اعتمادبه‌نفس ستودنی و بی‌نظیر این زوج و در نقطه مقابل، موضع کاملاً انفعالی تلویزیون در برابر این یکه‌تازی رسانه‌ای محبوبه به نوشتن این یادداشت کرد، اعتمادبه‌نفس ستودنی و بی‌نظیر این زوج و در نقطه مقابل، موضع کاملاً انفعالی تلویزیون در برابر این یکه‌تازی رسانه‌ای و ژورنالیستی یک مجری است. هر چقدر بخواهیم محبوبیت رامبد جوان و پرمخاطب‌بودن برنامه‌اش را اصل و مینا قرار دهیم، باز دلیلی برای نمایش عیان این همه خدشیفتگی نیست. شما تصور کنید در پوشش یک برنامه با موضوعات طنز و کم‌سدی و با هدف خنداندن تماشاگران و مخاطبانی که از خانه و کارشان و دیگر اماکن این برنامه را می‌بینند، یک زوج در برابر دوربین راه به راه به خودشان حال می‌دهند، از فیلم جدیدی که با هم کار کرده‌اند و در حال اکران است (نگار) تعریف و برایش تبلیغ مجانی می‌کنند، تلویحا منتقدان خود را مشتتی آدم حسود و عقده‌ای می‌دانند و بعد اظهار لطف می‌کنند، بر همه ما منت می‌گذارند که به این خودباوری رسیده‌اند که حرف مخالفانشان را پشت‌نهند؛ خوب، این بده‌بستان کلامی شخصی و خانوادگی برمهر و محبت، چه ارتباطی به این برنامه و اصول محوری‌اش دارد؟ آن تماشاجی‌های بخت‌برگشته و صبور چه گناهی کرده‌اند که باید ساکت سر جایشان بنشینند و نظاره‌گر این خوش‌وشش محفلی باشند و دم زنزند؟کنته سؤال برانگیز، سیاست یک‌بیام و دوهوای تلویزیون است که گاه این‌قدر انعطاف‌پذیر و کمتر جلد می‌شود و گاه به هیچ صراطی مستقیم نیست. امیدوارم این تصور پیش نیاید که دارم گیر می‌دهم تا دست و پال رامبد جوان را ببندند، هرچند او زرنگ‌تر از این حرف‌هاست و خودش گلیمش را از آب بیرون می‌کشد. برای اجرای عدالت، حالا که این فرصت طلایی و استثنایی در اختیار ایشان و همسرشان گذاشته شد، جا دارد از دیگر زوج‌های پیر و جوان و میان‌سال این عرصه، مثل لیلیا حاتم‌ی و علی مصفا، پژمان باغ‌ی و ستانه مهاجر، رویا تیموریان و مسعود رایگان، داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر، عاطفه رضوی و حسین پاکدل و... دعوت به عمل آید تا از خوشبختی‌ها و حال‌وروز خوب و زندگی پرتفاهمشان بگویند، شاید با این رهنمودها کانون خانواده‌ها گرم‌تر شود و این زوج‌های هنری الگوی خانواده‌هایی قرار بگیرند که به تئپ‌وئساب هم زده‌اند و دل خوشی از یکدیگر ندارند یا در کانون بحران قرار گرفته‌اند و نیاز به مشاوره و فریادرس دارند و خلاصه... حتی حس و انگیزه این را ندارند که ظاهر‌سازی کنند و بگویند: «ما خیلی باحالیم، بریم بیایم».

جارجی

«تهران به روایت تلفن همراه» در پاریس

● نمایشگاه عکس «تهران به روایت تلفن همراه»، در فستیوال فرهنگ‌های خارجی موسوم به «فیسب» در کاری ایران در پاریس برگزار می‌شود. نمایشگاه عکس «تهران به روایت تلفن همراه» (Téhéran Sur Smartphone)، به نمایشگاه‌گردانی مجید سعیدی، از تاریخ ۲۲ سپتامبر تا اول اکتبر ۲۰۱۷ در پاریس برگزار خواهد شد. عکاسی موبایل یکی از گرایش‌های معاصر عکاسی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، به‌طوری‌که علاوه بر نمایشگاه‌های مختلف، فستیوال‌های معتبری در سراسر دنیا، بخشی را به ژانر عکاسی موبایل اختصاص می‌دهند. نمایشگاه «تهران به روایت تلفن همراه» که نگاهی دارد به خیابان‌ها، مردم و وضعیت اجتماعی شهر تهران، آثار تعداد قابل‌توجهی از عکاسان جوان و معاصر ایران را از دریچه دوربین موبایل نمایش گذاشته است. التاز امینی، فؤاد اشتر، بهروز بادروح، فاطمه بهبه‌ودی، خشیایار جوانمردی، احمدرضا حلبی‌ساز، مجید حامدحدق‌وست، یونس خانی، روزبه روزبهانی، مریم رحمانیان، ابوالفضل سلمان‌زاده، زهره صابری، صبا طاهریان، نینوشا ظریفی، الهام عباسلو، صمد علیزاده، محمدمهدی فضل‌اللهی، مرتضی فرهنگی، مسعود قرایی، علی کاظمی، بابک کتغانی، مصطفی کاظمی‌مطلق، نسام کشاورز، محمد محسنی‌فر، ریحانه محمودی، ابوالفضل نسایی و مینا نوعی، عکاسانی هستند که آثار آنها در این نمایشگاه به نمایش گذاشته خواهد شد.

واکاوی منتقدانه اظهارات اخیراکبر گلپایگانی

چه کسی «گلپا» را حذف کرد

رضا آشفته: اکبر گلپایگانی، خواننده قدیمی ایران، چند روز پیش در گفت‌وگویی از همکارانش گلایه کرده که آنها در برابر بی‌کاری ۳۸ ساله و خانه‌نشین‌شدنش سکوت اختیار کرده‌اند؛ درحالی‌که با توجه به نفوذی که در صداوسیما و مدیران کلان فرهنگی داشته‌اند، می‌توانسته‌اند با دادن مشاوره‌هایی از حق و حقوق ازدست‌رفته اینان که خانه‌نشین شده‌اند، دفاع کنند و حتی بستر بازگشت دوباره‌شان را برای کارکردن در محافل موسیقی فراهم کنند.

بنابراین به استاد شجریان، مرحوم لطفی و گروه چاوش که در آن سال‌ها با قدرت کار می‌کرده‌اند، اعتراض می‌کند و بعد از ۳۸ سال دوباره از مسائلی حرف می‌زند که قبل از این هم، نه با این میزان تأکید، درباره‌اش گفته بود.

به‌همین دلیل با چند نفر از منتقدان موسیقی و اهل موسیقی درباره این گفته‌ها و شرایط آن روزگار گفت‌وگو کرده‌ام که در این گزارش بر آن هستیم تا حد ممکن دلایل حقیقی این مسائل را مطرح کنیم که در ادامه می‌خوانید:

رضا مهدوی: مقصر هنرمندان



دهه ۶۰ دولت این قابلیت را داشته که با توجه به مشاوره‌هایی که از هنرمندان بزرگ و نامی مانند شجریان و لطفی می‌گرفته است، تحت‌تأثیر و نفوذ سخن آنان راه را برای ورود برخی دیگر مانند گلپا و ایرج و امثالهم که نتوانستند بعد از انقلاب همچنان کار کنند، باز کنند. او خود در سال ۶۵ از گلپا دعوت کرده که در یک برنامه رادیویی آواز بخواند، اما همین مسئله در همان صداوسیما و از سوی خود هنرمندان با اعتراض همراه شده و این خود دلیلی شده که دیگر از گلپا دعوت نشود، بنابراین به‌ه اعتقاد مهدوی، این هنرمندان هستند که همیشه دلیل بازدارندگی هم بوده‌اند و حاکمیت و مدیران دولتی همیشه این آمادگی را داشته‌اند که بنابر خواست هنرمندان دعوت از افراد خانه‌نشین را انجام دهند و اگر چنین نبوده، چون هنرمندان در رأس کار چنین نخواستند.

او می‌گوید ای‌کاش محمدرضا لطفی به‌عنوان رهبر ارکستر ایرانی که بین صغیر و کبیر مطرح بود و شجریان که استا آواز بود و هر دو در برنامه گل‌های تازه درخشیده بودند و کارهای شاخصی را به‌جا گذاشته بودند می‌توانستند به بخش‌های دیگر موسیقی سنتی کمک کنند و حتی شهرام ناظری که صدای شاخصی داشتند و توانسته بودند نفوذی داشته باشند، از طریق دولتی‌ها این سفره پهن‌شده را کمی وسیع‌تر کنند و با دادن مشاوره‌های درست، این شائبه را از بین ببرند که برخی فقط برای خود و خانواده‌شان فضای کارکردن را تنگ کرده‌اند.

البته مهدوی معتقد نیست که نظرش کاملاً درست و بدون خطا باشد، بنابراین این پیشنهاد را می‌دهد که در دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای زیبا سمیناری با حضور تمام بزرگان برگزار شود و همه حرف‌ها در این سمینار بیان شود که درواقع همه رودرو از زاویه دید خود مسائل را مطرح کنند و بتوانند این نظرگاه‌ها را طوری سمت‌و‌سود دهند که فضای موسیقی برخورددار از انبواع ژانرها و سبک‌ها شود، چون در سال‌های آغازین انقلاب با محدودشدن صدای در خانه به‌سر برد.»

گلچین افزود: «متأسفانه صدای استاد گلچین زمانی پخش شد که دیگر پزشکان به او اجازه خواندن ندادند، اما خوشحالم که این استاد بزرگ از خانه اولشان، تالار وحدت که سال‌ها در آن به اجرای برنامه پرداخته بودند، به دیار باقی بازمی‌گردند.

امروز صحنه تالار وحدت جایی شده که استاد گلچین بارها در آن مورد تشویق قرار گرفته و من دوست دارم شما عزیزان با صدای کف‌زدن‌های خود برای آخرین‌بار استاد گلچین را راره، ای خانه ابدی کنید». او ادامه داد: «در اینجا جای دختران استاد خالی است، اما از همه خوشحال‌تر نادبای عزیز است که امشب میهمان عزیزی را پذیرایی می‌کند که واقعا جای خوش‌حالی دارد. من این ضایعه را خدمت جامعه موسیقی کشور تسلیت می‌گویم».

کامیوز روشن‌روان، آهنگ‌ساز، هم در صحبت‌هایش پیش از هر چیز به مکان تشییع این هنرمند اشاره کرد و گفت: «هروقت به این محوطه زیبای تالار وحدت می‌آیم، برای تشییع

موسیقی به رادیو و تلویزیون فقط موسیقی سنتی برخوردار از امتیاز پخش بود و دیگران نبودند و به‌مرور از این تک‌صدایی خسته شدند و دلشان صداهای دیگر را هم خواست.

حسن ریاحی: حواشی بر موسیقی غالب است



حسن ریاحی، مدیر اسبق بخش موسیقی صداوسیما، بر این باور است که همیشه بین هنرمندان از این چیزها هست و چنین گفته‌هایی مد و رسم است و درعین‌حال، هم شجریان و هم لطفی و هم گلپا هنرمندان خوب و قابل‌احترامی هستند و این مسائل هم همیشه بوده است و او نمی‌تواند چیزی به آن اضافه کند. او می‌گوید این حاشیه‌ها بیشتر از خود موسیقی شده است و در خود تولید این روزها اتفاقی نمی‌افتد که در آن اثر ماندگاری تولید شود و این حواشی هم داستان‌هایی است که فعلا هستند. او این مسائل را طبیعی ارزیابی می‌کند که نمی‌توان دادگاهی هم شکل داد که کدام‌یک مقصر است و در هر صورت همه اینها زحمت کشیده‌اند و در موسیقی کار کرده‌اند. او درباره اینکه در دهه ۶۰ حاکمیت چنین خواسته است یا نه؟! می‌گوید: نمی‌دانم! من در آن سال‌ها در خارج از ایران بوده‌ام و دقیقاً نمی‌دانم چه جریان‌هایی در سال‌های آغازین انقلاب بود و دقیقاً چه اتفاقاتی افتاده است.

کیوان فرزین: فرهنگ گفت‌وگوو دفاع نبوده



کیوان فرزین، منتقد موسیقی، معتقد است اینکه دو نفر که با هم همکاری کرده‌اند بعدها دچار ناراحتی‌ها و گلایه‌هایی از همدیگر بشوند امری طبیعی است و آنچه گلپا گفته، شاید دلالت بر واقعیت‌هایی بکند و درعین‌حال آنچه می‌گوید ممکن است در مورد خودشان هم بیفتد و درباره دیگران همچنین اتفاقی افتاده باشد و در جامعه کاری چنین چیزهایی پیش می‌آید و ممکن است ۱۰ سال سکوت کنند، چون انتظارشان برآورده نشده و بعد باعث ناراحتی می‌شود، چون آن مسئله در طول زمان بزرگ شده است وای‌کاش در موعد خودش صحبت می‌شد و به سرانجامی می‌رسید. فرزین این تصمیم را خواست دولت می‌داند که نخواست که برخی که در کارباره می‌خوانده‌اند به آنها اجازه کار بدهد و در آن زمان هم چنین فضایی نبوده که الان همه در فضای مجازی و تلگرام و نظریه‌پاشان را می‌نویسند و مثلاً برخی از آقایان موزیسین دلشان می‌خواهد درباره ممنوعیت صدای زنان بگویند، اما در دهه ۶۰ چنین فرهنگ و چنین امکانی نبوده که لطفی و شجریان و گروه چاوش بخواهند از همکاران خود دفاع کنند یا اینکه خواسته باشند عرصه را بر همکارانشان تنگ کنند اما الان این ذهنیت هست که اگر کسی ممنوع‌الکار بشود و دلیل منطقی برای این کار نباشد، همه از او دفاع می‌کنند چون با وجود اینکه ممکن است موسیقی‌هایی هم باشند که به سلیقه ما نخورند، اما به‌لحاظ حقوق اولیه حق کارکردن را دارند و این‌طور نیست که فقط طرفداران یک موسیقی از آن دفاع کنند و به لغو کنسرت بقیه گروه‌ها بی‌تفاوت باشند. ارزیابی نهایی فرزین این است که این گفته‌ها بیشتر مصداق «من بد کرده‌ام و تو بد مکافات کرده‌ای» می‌ماند که در آن جامعه موسیقی کل‌آلودتر می‌شود و در آن نمی‌توان به گفت‌وگو پرداخت. او نظر می‌دهد که باید عرصه باز

گلچین



عکس: تسنیم

بدرقه نادر گلچین به خانه ابدی

خواننده‌ای که ناخواسته خانه‌نشین شد

پیکر یکی از هنرمندان شریف کشورمان است، اما امیدوارم روزی این محل تبدیل به مکانی برای تجلیل از هنرمندان شود».او ادامه داد: «نادر گلچین جزء معدود شخصیت‌های موسیقایی بود که هیچ‌وقت ندیدم از شرایطی که در آن گرفتار است، گله کند. بارها شاهد بودم، او از کسانانی تعریف می‌کرد که من تا‌به‌حال اسم آنها را نشنیده بودم و فکر می‌کردم رابطه آنها با گلچین خوب نیست. من هیچ‌گاه ندیدم او از کسی بد بگوید و اظهار ناراضایی کند. امیدوارم هنرمندان موسیقی سرزمینمان در منزلت و جایگاهی قرار بگیرند که جایگاه واقعی یک هنرمند است».حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی، سخنران بعدی بود. او گفت: «نادر گلچین از معدود کسانی بود که آن‌قدر مکاتب آوازی را درک نکرده بود، اما به مرتبه‌ای رسیده بود که سبک موسیقی

گلچین

تمدید ۳ نمایش به دلیل اقبال عمومی

دلیل استقبال خوب مخاطب در تماشاخانه پالیز تمدید شدند.

تاریخ پایان اجرای نمایش «قند خون»، به نویسندگی و کارگردانی لیلی عاج، در پلاتو اجرا مجموعه تئاتر شهر مشخص شد و گروه نمایشی اجرای شامگاه ۳۱ شهریورماه را به کارگران «آذرباک» تقدیم کردند.

همچنین نمایش «چند درجه سوءتفاهم در مقیاس اتللو»، به نویسندگی محسن رهنما و کارگردانی حبیب‌الله دانش، به دلیل استقبال تماشاگران تا پنجم مهر تمدید شد.

نمایش «چند درجه سوءتفاهم در مقیاس اتللو» به نویسندگی

گلچین



عکس: پارس

شود که همه رودرو به مسائلشان بپردازند و امروز چنین فعالیت‌های مدنی و فضای شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چنین انتظاراتی را برآورده می‌کنند که البته به مرور ما هم در این زمینه فرهنگ گفت‌وگوکردن را خواهیم یافت.

مانی جعفرزاده: این نزاع بزرگان است



مانی جعفرزاده، منتقد موسیقی، تصور می‌کند که بخش وسیعی از تاریخ موسیقی ایران به نزاع بین بزرگان گذشته است و این نزاع از اینجا آمده که موسیقی، بیرون از موسیقی تحت فشار بوده و لاجرم عرصه موسیقی تنگ‌وتنگ‌تر می‌شده است و

به‌همین‌دلیل هرکس در دنیای موسیقی حس می‌کند که دیگری جا را برای او تنگ کرده است و این بحث معلول همین تحت فشاربودن از بیرون از موسیقی است و اینکه همه حس می‌کنند یا جا را برای او تنگ کرده‌اند یا جای کمی برای او گذاشته‌اند. بنابراین همواره دعواهای مشابهی انجام شده که مصداق ندارد و همه از آن بیرون آمده است.

جعفرزاده می‌گوید: هنرمند موسیقی فردی بسیار احساساتی و هیجانی است که خیلی زود خسته و ناامید می‌شود و اگر در چنین موقعیت‌هایی قرار بگیرد، سریع واکنش نشان می‌دهد. او توصیه می‌کند که باید فضا باز و بازتر شود برای اینکه همه اهالی موسیقی با هر نوع نگاه و گرایشی بیان شخصی خود را از مسائل داشته باشند و کسی هم محل جایگاه آنها نشود.

این منتقد هم در مورد تصمیم حاکمیت در دهه ۶۰ برای حذف برخی از افراد و ژانرهای موسیقی معتقد است که اگر کسی کل‌نگر باشد، متوجه این موضوع خواهد شد و شاید برخی در سنین کهولت کل‌نگری‌شان مخدوش شده باشد یا حس تنهایی کنند یا حس کند آنچه حقش بوده نادیده انگاشته شده است، بنابراین دچار واکنشی بشود که اصلا مصداقی ندارد و نمی‌داند دقیقاً چه کنشی منجر به این واکنش شده است.

او در پایان، آرزوی سلامتی و بهبودی می‌کند برای استاد شجریان و آرزوی سلامتی می‌کند برای استاد گلپا که هر دو از بزرگان موسیقی ایران هستند و معتقد است به‌جای بیان این نوع نزاع‌ها بهتر است فضا برای نقد علمی باز شود که این می‌تواند برای یک موسیقی پایدار راهگشا و سازنده باشد. درعین‌حال تعبیر او این است که گلپا دردی داشته و فعلاً آخ گفته است و این برای هر درمندی اتفاق خواهد افتاد.

که پشت تریبون قرار گرفت، رفیق ۵۰ساله نادر گلچین بود. فریدون شه‌بازیان در صحبت‌هایش گفت: «خوب در خاطر‌م هست زمانی‌که مجموعه «گل‌های تازه» را تهیه می‌کردم. از او دعوت کردم تا برای اجرا در این برنامه همراه من باشد. من در این فضا بود که قطعه «گریز» با شعری از هوشنگ ابتهاج را نوشتم و چون عادت به تعریف پیبوده از کسی ندارم، باید بگویم که بهتر از نادر گلچین کسی را سراغ نداشتم که کار را اجرا کند. او آن‌قدر محفوظات و سواد ادبیات بالایی داشت که هیچ‌گاه نیاز نداشتم درباره شعر با او صحبت کنم».

شه‌بازیان افزود: «متأسفم که این اواخر به دلیل تالمات روحی خودم نتوانستم به او سر بزنم، اما باید بگویم ما خواننده‌ای را از دست دادیم.

فاضل جمشیدی، خواننده موسیقی ایرانی، در این مراسم به قطعه ماندگار «مرغ سحر» اشاره کرد که در کنار سرود ملی ما به‌نوعی سرود فرهنگی است. او ادامه داد: «من دوست دارم در مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد نادر گلچین این قطعه را با هم بخوانیم و در دل خود بگوییم حیف که این‌همه صدای خوب در خاک فرو می‌رود».

هنرمندان بسیاری به این مراسم که اجرای آن برعهده عباس سجادی، مدیرعامل بنیاد فرهنگی- هنری نیاوران بود، آمده بودند؛ از جمله شهرام ناظری، بیژن بیژنی، ایرج راد، رضا بنفشه‌خواه، علی جهاندار، داوود گنج‌های، محمد منتشری، بهرام گودرزی، شهرام صارمی، علی‌مرادخانی، فرزاد طالبی، علیرضا پورامید، جمشید عنعلیلی، عباس عظیمی، حسین اکلیلی، بهرام حصیری، افشین معصومی، رضا شایسته، عبدالحسین مختاباد، خسرو احمدی، محمدعلی بهمنی و... .

مراسم ترحیم آن زنده‌یاد، چهارشنبه، پنجم مهر، از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ در مسجدجامع شهرک غرب تهران برگزار می‌شود.

زیر آسمان فیروزهای

ایرج طهماسب کارگاه تئاتر برگزار می‌کند



● کارگاه تئاتر ایرج طهماسب با عنوان «نمایش چگونه شکل می‌گیرد»، برای اولین‌بار در مؤسسه کارنامه برگزار می‌شود. در این کارگاه دوجلسه‌ای شرح جلسات چنین است: نمایش چگونه شکل می‌گیرد؟ جلسه اول با عنوان: ۱- نمایش به مفهوم یک قهرمان و یک موضوع: در این ورکشاپ، هنرجویان با بداهه‌سازی به موضوع نمایش و مفهوم «قهرمان» دست خواهند یافت. جلسه دوم: ۲- نمایش به مفهوم تشدید و تعدیل احساس: در این ورکشاپ هنرجویان با اجراهای خود به مفاهیم بازیگری و نمایش چیست و چگونه می‌توان احساسات را برانگیخت دست پیدا خواهند کرد.

این کارگاه در دو جلسه در روزهای جمعه ۱۴ و ۲۱ مهرماه در مؤسسه کارنامه، واقع در میدان تجربیش، ابتدای ولیعصر، خیابان افراز، خیابان انوش برگزار می‌شود و هر جلسه شش ساعت است. علاقه‌مندان به حضور در این کارگاه باید در اسرع‌وقت به www.karnameh.org مراجعه کنند. ظرفیت این کارگاه محدود است.

سفر تابستانه گروه هنری «گردون» پایان یافت از پرده‌نگاری «امیر و گوهر» تا نقاشی در گمیشان



● **گروه هنر: گروه هنری گردون** که در هر فصل از سال یک سفر هنری با موضوعات گوناگون، به‌ویژه موضوعات زیست‌محیطی به مناطق مختلف ایران را برگزار می‌کند، این‌بار برنامه سفر تابستانه خود را به استان‌های مازندران و گلستان تدارک دید.

در بخش اول این سفر و در آستانه جشن مهر و امیر، در شهرستان امیرکلی مازندران که هر سال به منظور بزرگداشت امیر بازاریوار، شاعر مازندرانی، برگزار می‌شود، گروه هنری گردون با ارائه نقاشی دیواری به شیوه پرده‌نگاری با موضوع افسانه امیر و گوهر (افسانه شاعرشدن و عشق امیر) و همچنین با چیدمانی در یکی از میدان‌های شهر و نقاشی روی یک قایق کوچک در محلی که در گذشته جایگاه قایق‌ها بوده، در این جشن شرکت کرد.

این برنامه که مورد استقبال اهالی و همچنین مسئولان شهر قرار گرفت، با هدف شناساندن هرچه‌بیشتر زیبایی‌ها و داشته‌های ارزنده ملل و اقوام مختلف ایرانی به نسل جوان و جلب آذهان و انتظار عمومی به خشک‌شدن رودخانه بابلرود انجام شد.

جالب توجه اینکه در امتداد برگزاری جشن، لاکمه یا همان قایق رنگ‌آمیزی‌شده، کرد شهر گردانده و در میدانی به‌عنوان یک مجسمه یادبود نصب شد و مردم در اطراف آن جشن و پایکوبی کردند.

در بخش دوم سفر و عزیمت به استان گلستان، گروه کنار ساحل بندر ترکمن و همچنین از خانه‌های قاجاری گمیشان نقاشی کردند و همچنین نمایشگاه نقاشی گروهی با مشارکت مردم محلی در یکی از خانه‌های زیبا و قدیمی شهرستان گمیشان که قدمت آنها به دوره قاجاریه بازمی‌گردد و با همت زوج جوان ترکمن (مرضیه و اسحاق) مرمت شده‌اند، برگزار کردند و کارهای انجام‌شده در ورکشاپ درووزه خود را برای جلب نظر مسئولان و هنرمندان، برای حفظ میراث فرهنگی و ترویج جاذبه‌های توریستی منطقه و نیز توجه خاص به ساحل خلیج گرگان که همچنان رو به خشکی می‌گذارد، به نمایش گذاشتند.

از آنجا که جمعیت غالب شهرستان گمیشان، مردم خوب ترکمن هستند، آنها با به‌نمایش‌گذاشتن موسیقی زنده ترکمنی، ذکر خنجر و همچنین طبخ غذاها و شیرینی‌های مربوط با پوشش سنتی خود در نمایشگاه مشارکت کردند. لازم به ذکر است که مسئولان محلی، از جمله فرمانداری و ریاست ارشاد شهرستان گمیشان در برگزاری این نمایشگاه همکاری خوبی با گروه هنری گردون داشتند.